

تحولات سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه

مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر

منصور رحمدل

گسترش اعتیاد به مواد مخدر در جامعه ایران در دهه ۱۹۶۰ و فشاری که از طرف جامعه داخلی و مراجع بین‌المللی به دولت وارد شد، دولت ایران را به اتخاذ سیاست جنایی شدیدتری در مقابل قاچاق مواد مخدر واداشت. این سیاست در طی زمان آهنگ یکنواختی نداشته است. دولت ابتدا برای نشان دادن شدت عمل خود مجازات اعدام را در سال ۱۳۳۸ وارد قلمرو مواد مخدر نمود و طی سال‌های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۹ این مجازات را در سطحی گسترده اجرا نمود. ولی از اوایل دهه ۱۹۹۰ رفته‌رفته سیاست جنایی تقنینی خود را تعدیل نمود و از تعداد موارد مشمول مجازات اعدام کاست و نرمش‌هایی را در مورد مجازات اعدام از خود نشان داد. این نرمش‌ها عمدتاً از سیاست جنایی قضایی متأثر بوده است. مقاومتی که سیاست جنایی قضایی در عمل از خود نشان داد سیاست جنایی تقنینی را به نرمش واداشت. از جمله موارد تأثیرگذار سیاست جنایی قضایی می‌توان به رویه قضایی و به‌خصوص نقش ارزنده دیوان عالی کشور، نقش نیروی انتظامی، ستاد مبارزه با مواد مخدر و سرانجام دیدگاه مردم در مورد مجازات اعدام اشاره نمود که جای امیدواری در اتخاذ سیاست جنایی معقول‌تری را در زمینه مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر ایجاد نموده است. این مقاله با دیدی تحلیلی و تطبیقی و به‌صورت کتابخانه‌ای تحولات مزبور را مورد بررسی قرار داده است.

مفاهیم کلیدی: اعدام، سیاست جنایی، مواد مخدر، قانون، رویه قضایی.

مقدمه

قانون‌گذاری در مورد مواد مخدر در حقوق ایران تحولات مختلفی را پشت سر گذاشته است. تا سال ۱۲۹۰ هجری شمسی در ایران مواد مخدر تابع نظم حقوقی نبود و به‌عنوان کالای مجاز

همانند هر کالای مجاز دیگر مورد خرید و فروش و مصرف قرار می‌گرفت. از سال ۱۲۸۹ دولت به فکر نظم بخشیدن به کشت و مصرف مواد مزبور افتاد.

قوانین مصوب، در ابتدا، صرفاً به نحوه تنظیم کشت مواد مخدر و توزیع آن در میان مردم پرداختند و در واقع هدف این قوانین ایجاد زمینه‌ای جدید برای اخذ مالیات از مردم بود. ولی رفته‌رفته با افزایش اعتیاد در میان مردم و فشاری که از طرف مردم و گروه‌های اجتماعی و مراجع بین‌المللی بر دولت وارد شد جرم‌انگاری در این زمینه آغاز شد.

واکنش قانون‌گذار ابتدا با تعیین مجازات جزای نقدی شروع شد و در برخی موارد جزای نقدی با مصادره مواد مخدر ممنوعه و حبس‌های کوتاه‌مدت همراه شد و به مرور زمان با تجدیدنظری که در قوانین صورت می‌گرفت بر میزان مجازات‌ها افزوده می‌شد.

روند افزایش میزان مجازات‌ها در مورد جرایم مواد مخدر در سال ۱۳۳۸ هجری شمسی به اوج خود رسید و قانون‌گذار در این سال با تعیین مجازات اعدام مبارزه با قاچاق مواد مخدر را وارد مرحله جدیدی کرد. با این مقدمه می‌توان به طرح این پرسش پرداخت که دلیل انعطاف قانون‌گذار در زمینه مجازات اعدام چه بوده است؟ و چرا ابتدا با شدت و خشونت بیشتر این مجازات را وارد قانون نمود و بعداً رفته‌رفته سعی نمود از موارد اعمال آن بکاهد و نقش رویه قضایی در این مورد چه بوده است؟ در پاسخ می‌توان گفت که رویه قضایی و وضعیت اجتماعی موجود قانون‌گذار را متوجه اشتباه خود نموده است و قانون‌گذار به این نکته پی برده است که امکان حصول نتیجه موردنظر وجود ندارد. با در نظر گرفتن این پرسش‌ها و فرضیه‌ها در دو مبحث به طرح مطلب با تفصیل بیشتری می‌پردازیم. در مبحث اول به تحولات سیاست جنایی تقنینی و در مبحث دوم به تحولات سیاست جنایی قضایی (دکتر نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۱۷، و ۱۳۷۱: ۲۷۷، و ۱۳۸۲: ۸) می‌پردازیم.

مبحث اول: تحولات سیاست جنایی تقنینی

در این مبحث تحولات مختلفی را که در سیاست جنایی تقنینی ایران در زمینه مجازات اعدام در مورد جرایم مواد مخدر صورت گرفته است، به ترتیب تاریخ تصویب قوانین مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف. قانون اصلاح قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب سال ۱۳۳۸

در سال ۱۳۳۴ قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک به تصویب رسید. این قانون کشت خشخاش، تهیه و ورود مواد افیونی (تریاک و شیره و سایر مشتقات آن) را جرم تلقی و

آیین‌نامه اجرایی این قانون برای مرتکبان این جرایم مجازات جزای نقدی و حبس تعیین نمود. ولی چهار سال بعد، قانون مزبور اصلاح و برای سازندگان و واردکنندگان تریاک، سوخته و شیرۀ تریاک، مرفین، هروئین و کوکائین و مواد مخدرۀ صنعتی و شیمیایی که در فهرست ادویۀ مخدرۀ سازمان ملل متحد تعیین شود، یا سازمان بهداشت جهانی مراقبت در مصرف آن را ضروری بداند، برای بار اول مجازات حبس جنایی ۵ تا ۱۵ سال و در صورت تکرار جرم مجازات اعدام تعیین نمود. لذا، ملاحظه می‌شود که مجازات اعدام در این قانون فقط برای سازندگان و واردکنندگان مواد و تکرارکنندگان جرایم مزبور قابل اجرا بود.

ب. قانون اصلاح قانون منع کشت خشخاش مصوب ۱۳۴۲

به تاریخ ۱۳۴۲/۷/۱۵ قانون منع کشت خشخاش اصلاح و برای موارد زیر مجازات اعدام تعیین نمود:

۱. سازندگان و واردکنندگان هروئین و مرفین در صورتی که میزان مواد بیش از ۵ گرم باشد؛
۲. سازندگان و واردکنندگان تریاک در صورتی که میزان مواد بیش از ۵۰۰ گرم باشد؛
۳. تهیه‌کنندگان، فروشندگان، در معرض فروش‌گذارندگان تریاک، مرفین، هروئین در صورتی که میزان مرفین و هروئین بیش از ۵ گرم و میزان تریاک بیش از ۳ کیلو باشد، در صورت تکرار جرم.
۴. خریداران، حاملین و مخفی‌کنندگان مرفین و هروئین در صورتی که میزان آن بیش از ۵۰ گرم باشد و خریداران تریاک در صورتی که میزان آن بیش از ۵ کیلوگرم باشد به شرط تکرار جرم.

ج. قانون تشدید مجازات مرتکبین اصلی جرایم مندرج در قانون اصلاح قانون منع کشت خشخاش مصوب ۱۳۴۸

چند سال بعد، قانون‌گذار مجدداً به فکر تشدید مجازات قاچاقچیان مواد مخدر افتاد و قانون اصلاحی سال ۱۳۳۸ را از جهات مختلف تغییر داد. موارد شدید بودن این قانون نسبت به قانون ۱۳۳۸ را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

— تعداد عناوین مجرمانه‌ای که مشمول مجازات اعدام می‌شدند افزایش یافتند و موارد وارد کردن، فروش و در معرض فروش قرار دادن هر مقدار تریاک، ساختن، وارد کردن، فروش و در معرض فروش قرار دادن هر مقدار مرفین، هروئین و کوکائین، نگهداری، اخفا و حمل بیش از دو کیلو تریاک، نگهداری، اخفا و حمل بیش از ده گرم مرفین، هروئین و کوکائین مشمول مجازات اعدام قرار گرفتند. مرتکبان جرایم مزبور در بار اول مشمول مجازات اعدام قرار گرفتند و صلاحیت رسیدگی به این جرایم از دادگاه‌های عمومی سلب و به دادگاه‌های نظامی که دادگاهی

اختصاصی می‌باشند و اگذار شد. این قانون را می‌توان شدیدترین قانون در طول قانون‌گذاری مربوط به مواد مخدر تلقی نمود.

د. قانون تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر مصوب ۱۳۵۹

این قانون اولین قانون تصویب شده در زمینه مبارزه با مواد مخدر در دوره نظام جمهوری اسلامی می‌باشد. این قانون برای موارد کشت خشخاش به شرط تکرار جرم، وارد کردن، ساختن، فروش، در معرض فروش قرار دادن تریاک به هر میزان، نگهداری، اخفا و حمل بیش از ۱ کیلو تریاک، وارد کردن، ساختن، فروش و در معرض فروش قرار دادن هروئین و مرفین و کوکائین به هر میزان، نگهداری، اخفا و حمل بیش از ۵ گرم هروئین و مرفین و کوکائین مجازات اعدام تعیین نمود و از جهت تعیین مجازات اعدام برای کشت در بار دوم، تعیین مجازات اعدام برای حمل، اخفا و نگهداری بیش از ۵ گرم هروئین، مرفین و کوکائین و بیش از ۱ کیلو تریاک و واگذاری صلاحیت رسیدگی به دادگاه انقلاب نسبت به قانون قبلی شدید بود.

ه. مصوبه مبارزه با مواد مخدر ۱۳۶۷

قانون تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر مصوب ۱۳۵۹ با شدت هرچه تمام‌تر به مدت ۸ سال در ایران اجرا شد و در این مدت افراد زیادی به اتهام قاچاق مواد مخدر اعدام شدند. ولی در سال ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام که اساساً حق قانون‌گذاری ندارد و به این اعتبار به مصوبات آن نمی‌توان اطلاق قانون نمود و به خصوص در سال ۱۳۶۷ که فاقد پایگاه قانونی اساسی بود، با تصویب مصوبه مبارزه با مواد مخدر چرخشی در سیاست جنایی تقنینی ایجاد نمود. مهم‌ترین موارد این تغییر سیاست را که نسبت به قوانین قبلی در مورد مجازات اعدام تا حدی از اعتدال برخوردار است، می‌توان به شرح زیر برشمرد:

طبق این مصوبه برای کشت خشخاش در مرتبه چهارم ارتکاب جرم، وارد کردن، صادر کردن، تولید، توزیع، خرید، فروش و در معرض فروش قرار دادن بیش از ۵ کیلو تریاک، حمل، نگهداری و اخفا بیش از ۵ کیلو تریاک، وارد کردن، صادر کردن، تولید، توزیع، خرید، فروش، در معرض فروش قرار دادن، حمل، اخفا و نگهداری بیش از ۳۰ گرم هروئین، مرفین و کوکائین مجازات اعدام تعیین شد.

و. مصوبه اصلاح مصوبه مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶

به فاصله ۹ سال از تاریخ تصویب مصوبه مبارزه با مواد مخدر تحت تأثیر سیاست جنایی قضایی که در مبحث دوم این مقاله در مورد آن صحبت خواهیم کرد، مجمع تشخیص مصلحت نظام ناچار از اصلاح مصوبه مزبور شد. در این اصلاحیه در کنار نرمش‌هایی که در سیاست جنایی تقنینی نسبت به سایر مجازات‌ها صورت گرفت در مورد مجازات اعدام تحولات زیر حاصل شد که برخی نسبت به مصوبه قبلی شدیدتر و برخی خفیف‌تر هستند:

۱. برای وارد کردن، صادر کردن، ارسال، تولید، ساخت، توزیع و در معرض فروش قرار دادن بیش از ۵ کیلوگرم تریاک همانند قانون قبلی مجازات اعدام تعیین شد ولی مقرر شد که «هرگاه احراز شود که مرتکبان این جرایم:

— برای بار اول مرتکب این جرم شده باشند؛

— موفق به توزیع یا فروش آن‌ها نشده باشند؛

— میزان مواد ۲۰ کیلو یا کمتر باشد،

دادگاه با جمع هر سه شرط مزبور مجازات اعدام را به حبس ابد کاهش خواهد داد.» در حالی که طبق قانون قبلی با عدم موفقیت مرتکب در توزیع یا فروش تریاک در داخل کشور، میزان تریاک هر چقدر می‌بود، مجازات مرتکب از اعدام به حبس ابد کاهش می‌یافت. به طوری که ملاحظه می‌شود طبق قانون جدید، شرط معافیت مرتکب از اعدام آن است که میزان تریاک از ۲۰ کیلوگرم بیشتر نباشد و این مورد نسبت به قانون قبلی شدیدتر محسوب می‌شود؛

۲. برای حمل، نگهداری و اخفا تریاک در صورتی که میزان آن بیش از ۲۰ کیلوگرم باشد در مرتبه سوم ارتکاب جرم، مجازات اعدام تعیین کرده که از این جهت نسبت به قانون قبلی خفیف‌تر عمل کرده است. چون در قانون قبلی در مرتبه دوم حمل بیش از ۵ کیلوگرم، مجازات اعدام داشت، ولی در حال حاضر حمل تا ۲۰ کیلوگرم در مرتبه دوم، مرتکب را در معرض مجازات اعدام قرار نمی‌دهد بلکه در مرتبه سوم وی به چنین مجازاتی محکوم می‌شود.

۳. در صورتی که حمل، اخفا و نگهداری تریاک به صورت جرم سازمان‌یافته ارتکاب یابد یا برای مصرف داخلی باشد مجازات مرتکب اعدام خواهد بود که در قانون قبلی چنین نبود و در واقع قانون‌گذار سازمان‌یافته بودن جرم و قصد توزیع مواد مخدر در داخل کشور را به عنوان یک کیفیت مشدده در نظر گرفته و برای چنین افرادی در همان مرتبه اول مجازات اعدام تعیین کرده است.

۴. در قانون فعلی همانند قانون قبلی برای حمل، اخفا، نگهداری، ساخت، تولید، توزیع، خرید، فروش، در معرض فروش قرار دادن، وارد کردن، صادر کردن و ارسال بیش از ۳۰ گرم

هروئین و مرفین و کوکائین مجازات اعدام تعیین شده است ولی در این مورد سیاست جنایی تقنینی شاهد دو تحول عمده و اساسی می‌باشد:

اول آن‌که، همانند قانون قبلی جهت جلوگیری از صدور احکام اعدام در سطحی گسترده پیش‌بینی شده که چنانچه مرتکب برای بار اول مرتکب این جرم شده باشد و موفق به توزیع یا فروش در داخل کشور نشده باشد و میزان مواد ۱۰۰ گرم یا از ۱۰۰ گرم کمتر باشد مجازات وی از اعدام به حبس ابد کاهش می‌یابد؛

دوم آن‌که قانون‌گذار در تحولی اساسی‌تر نسبت به قانون قبلی ترانزیت هروئین، مرفین و کوکائین به خارج از کشور را به هر میزانی که باشد از شمول مجازات اعدام خارج ساخته و مستوجب مجازات حبس ابد دانسته است. در حالی‌که در مورد تریاک به این صورت نیست و دیدیم که در مورد تریاک در صورتی‌که میزان آن بیش از ۱۰۰ کیلوگرم باشد در هر صورت مرتکب جرم مشمول مجازات اعدام خواهد بود.

تحول اساسی دیگری که در مورد کلیه مجازات‌های اعدام موضوع قانون صورت گرفته پذیرش درخواست عفو برای محکومان به اعدام از طرف دادگاه صادرکننده رأی است. توضیح آن‌که چنانچه دادگاه متهم را مستحق تخفیف مجازات تشخیص دهد می‌تواند از کمیسیون عفو درخواست عفو وی را بنماید.

دلایل این تحولات را در مبحث دوم تحت عنوان تحولات سیاست جنایی قضایی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مبحث دوم: تحولات سیاست جنایی قضایی

منظور از تحولات سیاست جنایی قضایی،^۱ عدم انطباق سیاست جنایی قضایی با سیاست جنایی تقنینی است. تحولات سیاست جنایی قضایی را که به نوبه خود، در تحولات سیاست جنایی تقنینی نیز مؤثر بوده‌اند به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف. تحولات مربوط به عملکرد دادگاه‌ها

توضیح آن‌که به نظر برخی از قضات، توسل بیش از اندازه قانون‌گذار به مجازات و مخصوصاً مجازات‌های شدید، ارزش و اهمیت مجازات‌ها را از بین برده است و مجرمان، دیگر ترسی از

۱. معاون قضایی دادستان کل کشور طی بخشنامه شماره ۱۴۰/۷۸/۷۴۷۳۳/۹۲ مورخ ۱۳۷۸/۵/۱۹ اعلام کرده است که دادگاه‌ها در موارد صدور حکم اعدام برای احتیاط نظریه آزمایشگاه را در مورد نوع ماده مخدر اخذ نمایند و در صورت نقص پرونده از این جهت حکم اعدام تأیید نخواهد شد.

مجازات شدن ندارند. به علاوه این دسته از قضات اعمال مجازات‌های شدید را در این موارد غیرعادلانه می‌دانند.

در مورد مجازات‌ها، به نظر قضات «کارایی مجازات اعدام مورد تردید می‌باشد و فاصله بین سیاست جنایی قضایی از سیاست جنایی تقنینی در ایران از جمله دلایل ضرورت تجدیدنظر در مجازات مذکور تلقی می‌شود. و پیشنهاد برخی از قضات صادر کننده احکام اعدام مبنی بر تبدیل آن به حبس ابد توسط دیوان عالی کشور، با توجه به وضع خاص برخی از محکومان که آلت فعل تشکیلات تبهکاری خارج از کشورند، قرینه‌ای بر عدم اعتقاد قضات به این مجازات تلقی می‌شود.» (دکتر آشوری، ۱۳۷۹: ۳۳۷).

تعداد زیاد موارد صدور حکم اعدام و عدم تأیید آن‌ها به وسیله دادستان کل کشور یا رئیس دیوان عالی کشور، یا تلاش برای مشمول عفو قرار دادن موارد زیادی از احکام اعدام، از نشانه‌های عدم همراهی سیاست جنایی قضایی با سیاست جنایی تقنینی است. شاید علت عدم همراهی سیاست جنایی قضایی با سیاست جنایی تقنینی، مبتنی بر این تجربه باشد که تعداد زیاد بازداشت‌ها، محکومان و زندانیان در مبارزه با مواد مخدر معیارهای دقیقی برای اثبات موفقیت در کاهش قاچاق، مصرف و جرایم مربوط به مواد مخدر نیست. (مواد مخدر و جرم، ۱۹۹۶: ۱۴۰).

رویه قضایی در ایران در برخورد با مجازات اعدام، مخصوصاً در سال‌های اخیر، از خود نرمش بیشتری نشان داده است. برای مثال، از بین صد و بیست و پنج هزار پرونده مربوط به مواد مخدر که طی سال‌های اخیر مورد بررسی قرار گرفته است ۲۰۰۰ فقره آن منجر به صدور حکم اعدام برای متهمان شده‌اند و این تعداد (۲۰۰۰ فقره) فقط نه دهم درصد پرونده‌های جامعه آماری مورد آزمون را تشکیل می‌دهند. از این تعداد حکم اعدام نیز فقط دوازده درصد به اجرا گذاشته شده است و بقیه آنان یا مشمول عفو واقع شده و یا به دلیل واقع‌بینی دیوان عالی کشور نقض شده‌اند. (کندوکاوی پیرامون نواقص قانون مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۹: ۳۳) (شاید دلیل آن متقاعد شدن دیوان عالی کشور به بی‌فایده بودن اعمال مجازات اعدام است).

نقض احکام اعدام به وسیله دیوان عالی کشور، نشان‌دهنده عدم همگامی سیاست جنایی قضایی با سیاست جنایی تقنینی است. برای مثال، در سال ۱۳۷۸ از بین ۱۵۸۶۹ موردی که متهمان طبق قانون مبارزه با مواد مخدر مستحق اعدام بوده‌اند، فقط ۱۷۲۵ مورد منجر به صدور حکم اعدام شده، از این میان فقط ۴۰۴ مورد آن به تأیید دیوان عالی کشور رسیده و از بین موارد تأییدشده فقط ۲۲۴ مورد آن اجرا شده است. در سال ۱۳۷۹ از بین ۱۳۲۵۲ متهمان

مستحق مجازات اعدام، فقط ۲۳۹۰ مورد حکم اعدام صادر شده، از بین موارد مذکور فقط حکم اعدام ۴۰۳ نفر تأیید و از بین موارد تأیید شده فقط ۲۲۶ مورد آن اجرا شده است. (سالنامه آماری ستاد مبارزه با مواد مخدر: ۶۷) در واقع سیاست جنایی قضایی (نشریه نجات، ۱۳۸۰: ۳۶) می‌خواهد ایراد قانون را در پیش‌بینی مجازات اعدام و آن‌هم در حد وسیعی، به متولیان سیاست جنایی تقنینی گوشزد نماید که اعمال مجازات اعدام کارساز نبوده و نیست. این رسالتی است که سیاست جنایی قضایی با هدایت قانون‌گذار به در پیش گرفتن سیاست تقنینی درست بر عهده دارد و آن را نیز با کمال دقت انجام می‌دهد. (سالنامه آماری ۱۳۷۹: ۶۸).

درخواست عفو (سالنامه آماری ۱۳۷۹: ۷۲) محکومان به اعدام نیز از این جهت قابل بررسی است که در صورت عدم امکان نقض حکم اعدام از طرف دیوان‌عالی کشور به دلیل کامل بودن دلایل توجه اتهام، دادگاه‌ها با توسل به مکانیسم مندرج در ماده ۳۸ قانون، در مورد تقاضای عفو، سعی می‌کنند نارسایی قانون در توسل به آخرین مرحله اعمال خشونت را جبران کنند.

برای روشن شدن مطلب نمونه‌های عملی این امر ذیلاً نقل می‌شود. برای مثال، «بررسی ده مورد پرونده‌ای که موضوع آن‌ها، قانوناً - چه از حیث مقادیر تریاک کشف شده، چه از حیث ادله به‌دست آمده و چه به استناد اقرار صریح متهمان - مشمول حکم اعدام قرار گرفته بودند، نشان می‌دهد که:

در تمام ده مورد قضات با تطبیق شرایط پرونده بر تبصره ماده ۸ از صدور حکم اعدام خودداری کرده و آن را تبدیل به حبس ابد کرده بودند. تنها در یک مورد به جهت سابقه کیفری متهم موضوع از شمول تبصره مزبور خارج اعلام شده و جهت رسیدگی به شعبه دیگری ارجاع شده بود. شعبه مرجوع‌الیه حکم اعدام را صادر ولی با استناد به سوابق فعالیت متهم در جنگ، تقاضای تخفیف کرده بود. مسئله به دیوان‌عالی کشور ارسال شده ولی حکم اعدام در دیوان‌عالی کشور تنفیذ شده بود.

با تعمیم نتایج آماری حاصل از ۲۰۰۰ پرونده نمونه‌ای که مشمول مجازات اعدام بوده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که گرایش قضات دادگاه انقلاب به سمت کمتر کردن موارد اجرای مجازات اعدام، محدود کردن دایره شمول این حکم در پرونده‌ها و اعمال موسع اختیارات قانونی برای عدم صدور و اجرای مجازات اعدام است. لذا در ۷۰٪ پرونده‌های مربوط به قاچاق تریاک و ۹۰٪ پرونده‌های مربوط به قاچاق هروئین که در فاصله سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۷۷ در دادگاه انقلاب اسلامی تهران مطرح شده‌اند، حکم اعدام و مصادره اموال به جهات و دلایل مختلف به حبس ابد، مصادره اموال و ۷۴ ضربه شلاق تبدیل شده است. در عین حال در مرحله تجدید

نظرخواهی دادستان کل کشور و رئیس دیوان عالی کشور، از ۲۰٪ کل احکام بدوی اعدام در پرونده‌های قاچاق تریاک، ۲۰٪ به جهت احتیاط در دما و ۱۰٪ به جهت وجود دلایل و جهات تخفیف تا یک درجه (حبس ابد) نقض شده است. و در مورد ۷۰٪ بقیه باید گفت که در کنار استدلال دیوان عالی کشور مبنی بر حدی بودن مجازات اعدام و امکان اعمال تخفیف از طریق کمیسیون عفو، ۴۰٪ پرونده‌ها برای درخواست تخفیف به کمیسیون عفو فرستاده شده است، ۱۰٪ به جهت عدم رعایت مقررات شکلی نظیر عدم مداخله وکیل در امر دادرسی نقض شده و ۲۰٪ به جهت عدم امکان استناد به ماده ۲۲ «قانون مجازات اسلامی» تنفیذ شده و از شمول حکم اعدام خارج شده است.

در مرحله تجدید نظر در پرونده‌های مربوط به قاچاق هرئین نیز همه ۱۰٪ آرا صادره مبنی بر اعدام، مورد تنفیذ رئیس دیوان عالی کشور قرار گرفته است و در ۹۰٪ دیگر پرونده‌ها که مجازات اعدام آن‌ها در مرحله رسیدگی به حبس ابد تبدیل شده است، هیچ‌گونه اعتراضی به صدور حکم حبس ابد به جای اعدام نشده است و حکم عیناً توسط رئیس دیوان عالی کشور تأیید شده است. (قناد، ۱۳۷۹: ۲۳۱-۲۳۴).

ملاحظه می‌شود که سیاست جنایی قضایی با سیاست جنایی تقنینی فاصله زیادی دارد. و قضات سعی می‌کنند به هر نحو ممکن راهی برای فرار از اجرای مجازات بسیار سنگین اعدام پیدا کنند. عدم تبعیت سیاست جنایی قضایی از سیاست جنایی تقنینی به این معنا است که قانون‌گذار در وضع قانون به بیراهه رفته است، اگر قانون‌گذار در یک اتاق شیشه‌ای و بدون توجه به واقعیات جامعه اقدام به تصویب قانون نماید و تنها با وضع مجازات بسیار سنگین و بدون توجه به علل و صرفاً با توجه به معلول‌ها قانون‌گذاری نماید و خیال کند که با اعدام چند نفر قاچاقچی که خود فی‌نفسه معلول به‌شمار می‌آید و نه علت، می‌تواند به حل مشکل بپردازد، راه اشتباهی را انتخاب کرده است و در عوض انصاف‌طلبی قضات وجود دارد که به لحاظ مشاهده عینی وقایع اجتماعی و امکان درک درست‌تر و بهتر از این وقایع راه اعمال اغراض سرکوب‌گرانه قانون‌گذار را در عمل سد می‌کند. چون «قضات، پیش از آن‌که حامی و مجری قوانین باشند، انسانند و به حکم طبیعت خود، میل دارند قانون را به گونه‌ای تفسیر کنند که با عدالت منطبق باشد. دادرسان، که با وقایع خارجی به‌طور مستقیم روبه‌رو هستند، عدالتی را که اخلاق عمومی به‌وجود آورده است روشن‌تر احساس می‌کنند و از آن الهام می‌گیرند. قاضی نماینده دولت است و به نام او تصمیم می‌گیرد، ولی به‌عنوان «انسان» از محیط خود متأثر می‌شود.» (دکتر کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۶۶۵).

ب. تحولات مربوط به عملکرد مأموران انتظامی

مأموران انتظامی درگیر در امر مبارزه با قاچاق مواد مخدر بیشترین نقش را در این زمینه ایفا کرده‌اند. مؤثر بودن نقش آنان از آن‌جا ناشی می‌شود که بیشترین سختی‌ها را آنان تحمل می‌کنند. کنترل مرز وسیع ایران با افغانستان و پاکستان که در بیشتر موارد کوهستانی است، و همین امر سختی مبارزه را دوچندان ساخته است، بر عهده آنان است. تعداد نسبتاً زیاد شهدایی را هم که نیروی انتظامی ایران در این زمینه تقدیم راه مبارزه با قاچاق مواد مخدر کرده است نباید از یاد برد. تفوق تسلیحاتی قاچاقچیان بر نیروهای ایرانی را که از طرف برخی کشورها تغذیه می‌شوند (به‌نحوی که در یک مورد مقامات انگلیسی مقامات ایرانی را از وجود موشک‌های استینگر در دست قاچاقچیان آگاه کرده‌اند و معلوم است که این موشک‌ها از طرف کدام کشور در اختیار آنان قرار گرفته است) عدم تحویل ابزارهای مبارزه با قاچاقچیان به نیروهای ایرانی از طرف دولت‌های غربی و کمک نکردن یا کمک ناچیز آنان به نیروهای انتظامی ایران را نیز نباید از یاد برد.

اتهام نقض حقوق بشر در قبال اعدام‌های مربوط به قاچاق مواد مخدر را نیز می‌توان در این زمینه مورد توجه قرار داد. برای مثال، مختار کلانتری فرمانده وقت کمیته انقلاب اسلامی و دبیر وقت ستاد مبارزه با مواد مخدر به تاریخ ۱۳۶۹/۹/۱۱ در نامه‌ای خطاب به گالیندوپل فرستاده ویژه بخش حقوق بشر سازمان ملل متحد به ایران گفته بود: «شما به ما اعتراض می‌کنید که چرا قاچاقچیان مواد مخدر را اعدام می‌کنیم؟ ۸۰٪ مبارزات ما به نفع اروپایی‌هاست. این را بدانید، احتمال دارد کشور ما هم یکی دو سال دیگر به این نکته برسد که از اعدام قاچاقچیان که قصد ترانزیت مواد مخدر به اروپا را دارند دست بردارد.» (مجموعه مقالات همایش ابعاد بین‌المللی مواد مخدر، ۱۳۷۷: ۲۶۱).

به این موارد باید انگیزه نیروهای ایرانی از مبارزه را نیز افزود. طبیعی است که نیروهای ایرانی در درجه اول برای جلوگیری از عدم دسترسی جوانان ایرانی به مواد مخدر دست به مبارزه سخت و طاقت‌فرسایی زده‌اند.

برای مثال، تیمسار جاپلقی فرمانده وقت نیروی انتظامی یزد در سال ۱۳۷۲ اعلام کرده است: «از دیدگاه اسلامی و انسانی مشکل وجود دارد. ولی ما باید بازنگری کرده و کمک‌های خارجی، خصوصاً کشورهای اروپایی را جلب نمود و اگر کمک نکنند باید اقدام دیگری کرد و نباید نیروی خود را به خاطر یک اروپایی تلف نمود. به‌جای این‌همه مبارزه با کاروان‌های ترانزیت، باید روی جوانان خودمان کار کرده و از معتاد شدن آن‌ها جلوگیری نمود.» (بولتن ویژه مواد مخدر، ۱۳۷۲: ۲۹) لذا، به نظر می‌رسد در بین فرماندهان مبارزه با مواد مخدر ایران

اعتقاد راسخی به مبارزه با قاچاق مواد مخدر به شکل حاضر وجود ندارد و از فرط ناراحتی و برای این که مخالفت خود را در مبارزه با مواد مخدر برای عدم ترانزیت آن به اروپا به راحتی بیان کنند، این گونه بحث ها را مطرح می کنند.

ج. تحولات ناشی از عملکرد ستاد مبارزه با مواد مخدر

اداره کل مطالعات و پژوهش های ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری به تاریخ ۱۳۷۶/۱۲/۱۷ در گزارشی تحت عنوان: «اگر ایران از ترانزیت مواد مخدر جلوگیری نکند، چه خواهد شد؟» به ارزیابی نتایج حاصل از آزادسازی ترانزیت مواد مخدر پرداخته و اعلام کرده است که نتایج حاصل از مبارزه با قاچاق مواد مخدر بیشتر به نفع اروپاییان تمام شده است تا ایران. طبق این گزارش، «ایران با داشتن ۱۹۲۵ کیلومتر مرز با کشورهای تولیدکننده عمده مواد مخدر (پاکستان و افغانستان) دارای موقعیت بسیار مهمی از نظر جغرافیایی و سیاسی است. حال این سؤال پیش می آید که اگر ایران به مبارزه با قاچاقچیان نپردازد و اجازه دهد کاروان های قاچاق از خاک و فضای ایران برای حمل محموله های قاچاق مواد مخدر به سمت اروپا و کشورهای حوزه خلیج فارس و یا مناطق شمالی و... استفاده کنند چه اتفاقی رخ می دهد؟ شاید تصور شود وضعیت داخلی کشور به مخاطره می افتاد و ما شاهد گرایش جمعیت زیادی از هموطنان به سمت قاچاق مواد مخدر و در نتیجه زیر سؤال رفتن در سطح مجامع داخلی و بین المللی می شویم و آمار اعتیاد نیز افزایش می یابد. ولی واقعیت ظاهراً به جز این باور هاست.

همان گونه که آمار و ارقام گویاست ما تاکنون (بعد از انقلاب و انهدام ۳۳۰۰۰ هکتار از مناطق زیر کشت خشخاش) بالغ بر ۱۳۱۰ تن انواع مواد مخدر (تریاک، هروئین، مرفین، حشیش و...) کشف کرده ایم که اگر اجازه می دادیم این حجم از مواد مخدر از خاک ایران بگذرد، حداقل نتایج زیر را در برداشت:

۱. این همه شهید و جانباز از دست نمی رفت و داغ دل بر خانواده آنان باقی نمی ماند.
۲. میلیاردها دلار بودجه صرف شده در مناطق مرزی صرف آبادانی و سازندگی در سایر بخش ها (از جمله مدرسه سازی، توسعه کشور و...) می شد.
۳. از سر ریز شدن مواد مخدر در حال عبور، در داخل کشور جلوگیری به عمل می آمد و جوانان و نوجوانان به سمت اعتیاد رو نمی آوردند. (تجربه ثابت کرده است که یکی از علل وفور مواد مخدر در داخل کشور که زمینه اعتیاد را فراهم ساخته است، ممانعت از ترانزیت آن توسط نیروهای ایران است).

۴. از خروج پول‌های معتادان از کشور و واریز شدن آن به حساب سوداگران مرگ و قاچاقچیان بین‌المللی تا حد زیادی جلوگیری به عمل می‌آمد و افراد سودجو صاحب این حجم عظیم از ثروت‌های بادآورده و نامشروع فعلی نمی‌شدند.

۵. زندان‌ها، مراکز بازپروری، پلیس، قوه قضاییه و دیگر مراجع مسئول به این حد درگیر مشکلات نمی‌شدند و هم و غم خود را در امور دیگر مملکت و خدمت به مردم در زوایای دیگر سازندگی مصروف می‌نمودند.

۶. آمار اعدام عناصر وابسته (که اکثراً افراد ساده‌لوح و آلت دست قاچاقچیان بین‌المللی هستند) پایین آمده و از بی‌سرپرست شدن خانواده معدومین تا حد زیادی جلوگیری می‌شد و در نتیجه اتباع بیگانه نیز این‌گونه برای ما مشکل‌آفرینی نمی‌کردند.

۷. اگر ما قاچاقچیان مرفین را اعدام نمی‌کردیم و آن‌ها مواد مربوطه را ترانزیت می‌کردند، شاهد آن نبودیم که قاچاقچیان، به عوض مرفین، اقدام به ورود تریاک به داخل کشور (به واسطه سهولت در آن و نیز جبران خسارت‌هایشان) بنمایند.

۸. خروج بیش از ۱۳۱۰ تن مواد مخدر و سرازیر شدن آن به اروپا و سایر کشورهای مورد نظر قاچاقچیان، همانند بمبی بود که جهان را تاکنون منفجر می‌ساخت و مسلماً کشورهای اروپایی را به فکر و می‌داشت تا در خصوص تولید در مرزهای شرقی ایران تجدیدنظر نمایند و حداقل نسبت به کنترل تولید در این کشورها اقدام نمایند.» (گزارش سالانه سال ۱۳۷۹)

این گزارش، در واقع به بیان واقعیات موجود در مورد سیاست جنایی ایران در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر پرداخته است. واقعیاتی که دولت ایران آگاهانه یا ناآگاهانه چشمان خود را بر روی آن‌ها بسته است. واقعیت آن است که سود ناشی از مقابله با قاچاق مواد مخدر عائد کشورهای اروپایی می‌گردد و هزینه آن توسط مردم ایران تأمین می‌گردد. با این توضیح که اگر هدف از مقابله با قاچاق مواد مخدر جلوگیری از توزیع و مصرف مواد مخدر در داخل کشور باشد، با وجود مقابله با قاچاق مواد مخدر و کشف مقادیر عظیمی از مواد مزبور، هنوز هم مواد مخدر به وفور در داخل کشور یافت می‌گردد. این امر مبین آن است که مبارزه (با هدف جلوگیری از پخش مواد مخدر در داخل کشور) نتیجه مورد نظر را ندارد. ولی این نتیجه را به دنبال دارد که به منظور جلوگیری از قاچاق مواد مخدر به کشورهای خارجی، سرمایه‌های انسانی و مالی ایران به عوض این‌که برای آبادانی و پیشرفت ایران مورد استفاده قرار گیرند، فدای منافع خارجی گردند.

د. تحولات ناشی از مطالعات جامعه‌شناختی

در این‌جا در مقام بررسی این مطلب هستیم که آیا مجازات اعدام در مورد جرایم مواد مخدر به‌عنوان مجازات مؤثر می‌تواند عمل کند و از قاچاق مواد مخدر جلوگیری کند و این‌که آیا مجازات اعدام در مورد قاچاق مواد مخدر منطقی و متناسب است یا نه؟

برای این منظور باید در درجه اول مشکلی را که می‌خواهیم با مجازات اعدام حل کنیم روشن کنیم. پاسخ خیلی ساده آن است که مشکل عبارت است از قاچاق مواد مخدر که به سلامت و اقتصاد جامعه لطمه وارد می‌کند. هرچند گفته می‌شود که قاچاق مواد مخدر جنبه اشتغال‌زایی دارد، ولی به‌نظر می‌رسد، قاچاق مواد مخدر اقتصاد سالم را به تحلیل می‌برد و باعث رونق اقتصاد زیرزمینی می‌شود.

در درجه دوم دلیل توجیهی توسل به مجازات اعدام باید روشن شود. به‌طور کلی در توجیه وجود مجازات اعدام دو نظریه اساسی وجود دارد. یکی از این نظریه‌ها نظریه استحقاقی و نظریه دوم، نظریه بازدارندگی است. نظریه استحقاقی بر استحقاق فرد به مجازات شدن به‌خاطر صدمه زدن به جامعه تأکید دارد و میزان مجازات به میزان صدمه وارد شده و قصد عامل ورود صدمه بستگی دارد. (www.uky.edu/cperring,2003).

طبق نظریه بازدارندگی، مجازات اعدام (Adesugaba, 1990, p. 347) نه فقط مرتکب را از ارتکاب جرم باز می‌دارد بلکه دیگران نیز با گرفتن درس عبرت، از ارتکاب جرم مستوجب مجازات اعدام خودداری می‌کنند.

می‌توان گفت که اعدام قاچاقچی مواد مخدر در حقوق ایران نیز براساس این دو نظریه صورت می‌گیرد. ولی به‌نظر می‌رسد که اعدام بازدارندگی فردی ندارد. چون صحبت از بازدارندگی فردی جایی درست است که فرد در جامعه حضور داشته باشد و به لحاظ اثربخشی مجازات از تکرار جرم بپرهیزد. در حالی‌که با اعدام، فرد از جامعه حذف می‌شود و ارتکاب جرم به وسیله وی منتفی به‌انتفا موضوع است. و در مورد اعدام تنها می‌توان از بازدارندگی جمعی صحبت کرد و نه بازدارندگی فردی.

مسئله مهم بازدارندگی جمعی مجازات اعدام است. در این مورد حسب تحقیقی که در کرمان در مورد مواد مخدر صورت گرفته بازدارندگی جمعی مجازات اعدام زیر سؤال رفته است. طبق نتایج حاصله از این تحقیق، اعدام فرد مجرم باعث آن نمی‌شود که قاچاقچیان مواد مخدر کم شوند، زیرا به‌قرار اطلاعات موجود در بسیاری از باندهای قاچاق مواد مخدر، پس از کشته شدن رئیس باند پسر ارشد وی یا برادر وی جایگزین وی می‌شود.

حسب نتایج حاصله از تحقیق مزبور:

۱. اجرای حکم اعدام، بر وضعیت خانواده مجرمان مؤثر بوده است و آن را بدتر کرده است.
۲. اجرای حکم اعدام، احساس تعلق اجتماعی اعضای خانواده فرد معدوم را تا اندازه‌ای کاهش داده است.

۳. اجرای حکم اعدام، روابط اجتماعی خانواده فرد معدوم را تا اندازه‌ای دچار تغییر کرده است.

۴. با اجرای حکم اعدام، باندهای قاچاق مواد مخدر از بین نرفته‌اند و فقط فرد مجرم حذف شده است و با حذف وی دیگری جایگزین او شده است.

۵. پاسخ خانواده معدومان به این سؤال که آیا با اجرای حکم اعدام تساوی و عدالت در مورد همه مجرمان مواد مخدر رعایت می‌شود، منفی بوده است. چون طبق قانون هم قاچاقچی ۳۱ گرم هروئین اعدام می‌شود و هم ۳۱ کیلو و هم ۳۱ تن و...» (دکتر احمدی، ۱۳۷۷: ۲۳۲-۲۳۴ و اکبری، ۱۳۷۹: ۲۴۷-۳۱۴).

به نظر می‌رسد، معیار دقیق برای ارزیابی بازدارندگی یا عدم بازدارندگی این مجازات آن است که این مجازات از سیستم ضمانت اجراهای کیفری حذف شود و در صورت افزایش میزان جرایم مستوجب اعدام بعد از لغو این مجازات می‌توان به اثر بازدارندگی جمعی آن پی برد (ضمن آن‌که نباید تأثیر عوامل دیگر را از نظر دور داشت). در غیر این صورت (در صورت کاهش میزان جرایم و یا عدم افزایش این میزان) می‌توان گفت که وجود این مجازات تأثیری در بازدارندگی جمعی ندارد. (Hood, 1989, page 125).

عدم کارایی مجازات اعدام در مورد قاچاق مواد مخدر، در کنفرانس گروه کارشناسی سازمان ملل برای بررسی اقدامات لازم برای مقابله با قاچاق مواد مخدر از طریق هوا و دریا مورد تأیید قرار گرفت. به نظر این کارشناسان، واقعیت آن است که مجازات اعدام جلوی افزایش قاچاق مواد مخدر را نگرفته است. برعکس، در برخی موارد ممکن است وجود مجازات اعدام در امر تعقیب ایجاد مشکل نماید. چون دادگاه‌ها برای اعمال مجازات اعدام که اجباری است از نظر اثباتی باید وقت بیشتری را صرف کنند. و به نظر این کارشناسان، قطعیت کشف جرم و دستگیری متهمان اثری بیش از مجازات اعدام دارد. (Okagbue, 1991, p. 21).

از نظر حقوق داخلی نیز حسب تحقیقات صورت گرفته و مطالعات انجام شده اثر بازدارندگی مجازات اعدام اثبات نشده و حتی به نظر برخی تعیین این مجازات در مورد جرایم مواد مخدر از نظر قانون اساسی و شرع اسلام مورد تردید می‌باشد. (اکبری، ۱۳۷۹: ۲۴۷-۳۱۴).

به نظر می‌رسد، با توجه به شکست مجازات اعدام از جهت بازدارندگی در مورد جرایم مواد

مخدر، مبنای حفظ این مجازات نظریه استحقاقی باشد. و همچنان که می‌دانیم این نظریه به ظاهر معقول ریشه در انتقام‌جویی دارد. حال اگر این انتقام‌جویی واجد مبنای معقول باشد، برای مثال، قانون‌گذار زمینه بروز وضعیت‌های پیش‌جنایی را در جامعه از بین برده باشد، و با این وضعیت شخص مبادرت به ارتکاب جرم کند، وجود آن در قانون تا اندازه‌ای توجیه پیدا می‌کند. در غیر این صورت بقا آن و اعمال آن توجیهی ندارد.

نتیجه‌گیری

همچنان که ملاحظه شد، سیاست جنایی تقنینی ایران در زمینه تعیین مجازات اعدام برای جرایم مواد مخدر تحولات مختلفی را پشت سر گذاشته است. این سیاست از تعیین مجازات اعدام برای این جرایم و واگذاری صلاحیت رسیدگی به این جرایم در دادگاه‌های اختصاصی شروع شده و در برهه‌ای از زمان از نظر شدت برخورد به اوج خود رسیده است. به مرور زمان با روشن شدن ثمربخش نبودن مبارزه شدید رفته‌رفته از شدت عمل کاسته شده و قانون‌گذار سعی در ایجاد راه‌هایی برای فرار از اعمال این مجازات نموده است.

طبیعی است که تحولات سیاست جنایی تقنینی در ارتباط مستقیم با تحولاتی بوده که سیاست جنایی قضایی ایجاد کرده است. سیاست جنایی قضایی که در واقع مجری سیاست جنایی تقنینی است، خود عامل تغییرات آن نیز هست. مقاومت قضات دادگاه‌ها در مقابل حجم گسترده مواردی که باید برای مقادیر اندک مواد مخدر مجازات اعدام تعیین کنند احساس انسانی قضات را تحت تأثیر قرار داده به نحوی که سعی می‌کنند با توسل به اختیارات قضایی خود یا با تفسیر قانون به نحوی که عمل متهم مشمول مجازات اعدام قرار نگیرد، از صدور حکم اعدام خودداری کنند. در این مورد به خصوص باید به نقش دیوان عالی کشور به عنوان عالی‌ترین مرجع قضایی کشور، در عدم تأیید حجم گسترده احکام اعدام اشاره کرد.

در کنار مقاومت مقامات قضایی باید به نقش مؤثر نیروهای انتظامی و ستاد مبارزه با مواد مخدر نیز در الزام قانون‌گذار به تغییر سیاست جنایی تقنینی اشاره نمود.

ابعاد جامعه‌شناختی قضیه را نیز نباید از نظر دور داشت. مطالعات جامعه‌شناختی صورت گرفته در جامعه ایران، دلالت بر عدم کارایی اعدام در زمینه پیشگیری از جرم داشته است. طبعاً نتایج حاصله از این مطالعات بر عملکرد قضات نیز بی تأثیر نبوده است.

لذا، می‌توان گفت که تحولات سیاست جنایی تقنینی در ایران که در مبحث اول این مقاله مورد بررسی قرار گرفت عمدتاً ناشی از سیاست جنایی قضایی بوده است. به عبارت دیگر، این سیاست جنایی قضایی بوده است که سیاست جنایی تقنینی را دنباله‌رو خود کرده و

این امر مایه امیدواری به تحقق تحولات مثبت بیشتری در زمینه جرم‌انگاری و تعیین مجازات است.

لزوم ارائه لوایح قضایی مناسب از طرف قوه قضاییه و نهایتاً تصویب قوانین مربوط به مواد مخدر از طرف مجلس شورای اسلامی جهت انطباق امور با قانون اساسی نکته دیگری است که باید مدنظر قرار گیرد. چون طبق قانون اساسی (اصل ۳۶) حکم به مجازات و اجرای آن باید به موجب قانون و به حکم دادگاه باشد. به خصوص در مورد مجازات اعدام به عنوان سنگین‌ترین مجازات، تصویب قانون از مجرای صحیح خود می‌تواند در پرکردن شکاف موجود بین سیاست جنایی تقنینی و قضایی نقش مهمی را ایفا کند.

منابع

- آشوری، محمد (۱۳۷۹) نتیجه‌گیری کلی همایش بین‌المللی علمی-کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، *مجموعه مقالات* (سخنرانی‌های داخلی) جلد اول تهران: نشر روزنامه رسمی کشور.
- احمدی، امیدعلی (۱۳۷۷) «تأثیر اعدام در روند مبارزه با مواد مخدر در استان کرمان» (۱۳۶۷-۱۳۷۶) اداره کل مطالعات و پژوهش‌های ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری. صص ۲۳۲-۲۳۴.
- اکبری، حسین (۱۳۷۹) مطالعه نظری-عملی کیفر مرگ در حقوق مواد مخدر ایران. همایش بین‌المللی علمی-کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر. *مجموعه مقالات* (سخنرانی‌های داخلی). جلد اول. نشر روزنامه رسمی کشور.
- بولتن ویژه مواد مخدر* (۱۳۷۲) ستاد مبارزه با مواد مخدر، شماره ۸.
- دل‌ماس مارتی، می‌ری (۱۳۸۱) *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی تهران: انتشارات میزان.
- قناد، فاطمه (۱۳۷۹) «بررسی تناسب بین جرم و مجازات در جرایم مواد مخدر»، *مجموعه مقالات* (سخنرانی‌های داخلی) همایش بین‌المللی علمی-کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر تهران: نشر روزنامه رسمی کشور.
- گزارش سالانه ستاد مبارزه با مواد مخدر* (۱۳۷۹).
- گسن، ریموند (۱۳۷۱) «بحران سیاست‌های جنایی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۰.
- کندوکاوی پیرامون نواقص قانون مبارزه با مواد مخدر*، اداره کل حقوقی، امور قوانین و مجلس ستاد مبارزه با مواد مخدر.
- سالنامه آماری ستاد مبارزه با مواد مخدر* (۱۳۷۹).
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷) *فلسفه حقوق*، جلد اول، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، صص. ۶۶۴-۶۵۸.
- مجموعه مقالات همایش ابعاد بین‌المللی مواد مخدر در زمینه مسایل قضایی*. تهران آذرماه (۱۳۷۷).

مواد مخدر و جرم، ترجمه اداره کل پژوهش و تألیفات معاونت آموزشی ناجا. نوشته Doris Layton سال ۱۹۹۶.

نجات، نشریه تحلیلی-خبری ستاد مبارزه با مواد مخدر، فروردین و اردیبهشت (۱۳۸۰).
نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۹) «درآمدی به جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر»،
مجموعه مقالات (سخنرانی‌های داخلی). همایش بین‌المللی علمی-کاربردی جنبه‌های مختلف
سیاست جنایی در قبال مواد مخدر. جلد اول تهران: نشر روزنامه رسمی کشور، ۱۳۷۹.
نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۲) درباره اصطلاح سیاست جنایی، (دیباچه) درآمدی به سیاست
جنایی، کریستین لازرژ، تهران: نشر میزان، چاپ اول، بهار ۱۳۸۲.

Adesugaba. S. (1990) "The Death Penalty: Myth or Reality". In: *Narcotics: Law and Policy in Nigeria*. (eds.). Awa U. Kalu & Yemi Osinbajo. Bencod Press Limited. Federal Ministry of Justice. Lagos.pp. 347.

Hood. R. (1989) *The Death Penalty: A world wide perspective*, Clarendon Press: Oxford.

Okagbue. I. (1991) *The Death Penalty as an Effective Deterrent to Drug Abuse and Drug Trafficking: Myth or Reality?* Nigerian Institute of advanced Legal Studies: Lagos.

www.uky.edu/cperring/PHILAW>HTM. 23. Dec.2002. Philosophy of Law Syllabus: Crime, Punishment and Paternalism.

منصور رحمدل استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است.